



## مکاسب محرمه / حفظ کتب ضلال

بسم الله الرحمن الرحيم

### مقدمه

بحث و کلام در ادله قرآنی حرمت حفظ کتب ضلال بود که در مجموع این ادله بر حرمت حفظ کتب ضلال به ما هو هو دلالتی نداشت و آیات مورد بحث تنها بر حرمت اضلال غیر دلالت داشتند.

### عدم حرمت مقدمه اضلال

گاهی عملی مصداق اضلال محسوب می‌شود که این عمل حرام است مانند اینکه سخنرانی را انجام می‌دهد که موجب گمراهی مستمعین قرار می‌گیرد که در حرمت آن شکی نیست اما گاهی عملی مانند حفظ کتب ضلال و خرید و فروش آن بالفعل مصداق ضلال نیست بلکه مقدمه برای اضلال واقع شود که از دو حیث و جهت قابل بررسی است. این مقدمه اضلال از حیث مقدمیت آن حرام نیست اما اگر بر این حفظ و خرید و فروش اعانه بر اثم صادق باشد و اطمینان بر ترتب اثم بر آن داشته باشد حفظ و خرید و فروش حرام است.

### ادله روایی حرمت حفظ کتب ضلال

بر حرمت حفظ کتب ضلال به چند دسته و گروه از روایات تمسک شده است.

### گروه اول از روایات

اولین گروه از روایات که بر حرمت حفظ کتب ضلال مور تمسک واقع شده‌اند روایات باب ۱۶ ابواب امر و نهی از کتاب امر به معروف و نهی از منکر است که در مجموع یازده روایت می‌باشند البته این گروه از روایات در کتب متأخرین مورد تمسک واقع نشده است ولی مرحوم نراقی در مستند به آن‌ها استدلال کرده است.



## مضمون روایات گروه اول

مضمون این روایات با تفاوت‌های جزئی که وجود دارد این است که این‌گونه نیست که همیشه آثار و نتایج افعال انسان در خود او منحصر باشد و در بسیاری موارد آثار افعال انسان به دیگران هم منتقل می‌شود و اگر کسی اقدامی کند که بر زندگی دیگران و مشی دیگران و انتخاب دیگران اثر بگذارد، چه راه خیر و چه راه شر، او در ثواب یا عقاب دیگران شریک است و این یک اصل کلی است که روایات این باب و ابواب دیگر به آن اشاره دارد مانند روایت دوم باب که معتبر هم هست «وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: مَنْ عَلَّمَ بَابَ هُدًى فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَ لَا يُنْقَصُ أَوْلَئِكَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْئاً وَ مَنْ عَلَّمَ بَابَ ضَلَالٍ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ أَوْزَارٍ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَ لَا يُنْقَصُ أَوْلَئِكَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْئاً» یعنی اگر چیزی را به دیگری یاد دادی و باب هدایتی را با تعلیم خود به روی دیگری گشودی اجری که او دارد شما هم در آن شریک هستی، ولی در عین حال این طور نیست که اجر او کم شود و شما در آن شریک باشید یعنی علاوه بر این که او مأجور است خداوند به شما هم اجری می‌دهد، البته در گناه هم همین طور است. یا روایت اول این باب آمده که اگر عمل خیری را به دیگری تعلیم دهد و او هم به دیگری تا قیامت در ثواب آن شریک است و همچنین اگر ضلالی را تعلیم دادی در گناه آن تا قیامت شریک است.

## عناوین و تعبیر روایات گروه اول

تعبیر و عناوین متفاوتی در گروه اول روایات در وسایل الشیعه آمده است.

### عنوان تعلیم

یکی از عناوینی که در این گروه از روایات آمده است که این تعبیر در روایت اول و دوم این باب آمده است.

<sup>۱</sup> - وسائل الشیعه، ج ۱۶، کتاب امر به معروف و نهی از منکر ابواب امر و نهی باب ۱۶، ح ۲، ص ۱۷۵



## عنوان دال

عنوان دال عنوان دیگری است که در روایت سوم این باب آمده است آمده است «الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ»<sup>۲</sup>.

## عنوان تکلم

عنوان تکلم که در روایت چهارم «لَا يَتَكَلَّمُ الرَّجُلُ بِكَلِمَةٍ حَقٌّ يُؤْخَذُ بِهَا إِلَّا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَخَذَ بِهَا وَلَا يَتَكَلَّمُ بِكَلِمَةٍ ضَلَالٍ يُؤْخَذُ بِهَا إِلَّا كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ وَزْرِ مَنْ أَخَذَ بِهَا»<sup>۳</sup> آمده است.

## عنوان تسنین سنه

عنوان «سَنَ سُنَّةٍ» که در روایت پنجم و هفتم آمده است که روایت پنجم که معتبر می‌باشد این است «أَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ سَنَ سُنَّةٍ هُدًى كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِذَلِكَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ وَأَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ سَنَ سُنَّةٍ ضَلَالٍ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ وَزْرِ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٌ»<sup>۴</sup> یعنی کسی عادت خوب یا بدی را در جامعه پایه ریزی کرد در ثواب و عقاب آن شریک است.

## عنوان عمل باب هدی

عنوان دیگری که در روایات آمده است تعبیر من عمل باب هدی می‌باشد که در روایت نهم باب آمده است «مَنْ عَمِلَ بِأَبِ هُدًى كَانَ لَهُ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَلَا يُنْقَصُ أُولَئِكَ مِنْ أَجُورِهِمْ وَمَنْ عَمِلَ بِأَبِ ضَلَالٍ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ وَزْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَلَا يُنْقَصُ أُولَئِكَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ»<sup>۵</sup> که در اینجا مراد عملی است که منشا تاثیر در دیگران است.

<sup>۲</sup> - وسائل الشیعة، ج ۱۶، کتاب امر به معروف ونهی از منکر ابواب امر و نهی باب ۱۶، ح ۳

<sup>۳</sup> - وسائل الشیعة، ج ۱۶، کتاب امر به معروف ونهی از منکر ابواب امر و نهی باب ۱۶، ح ۴

<sup>۴</sup> - وسائل الشیعة، ج ۱۶، کتاب امر به معروف ونهی از منکر ابواب امر و نهی باب ۱۶، ح ۵

<sup>۵</sup> - وسائل الشیعة، ج ۱۶، کتاب امر به معروف ونهی از منکر ابواب امر و نهی باب ۱۶، ح ۹



## نکته تربیتی مستفاد از گروه اول

جدای از بحث حرمت حفظ کتب ضلال یک نکته تربیتی از این روایات گروه اول که عمدتاً از لحاظ سندی در مرتبه بالای اعتبار قرار دارند به دست می‌آید و آن این است که اگر از این تعابیر مختلف الغا خصوصیت کنیم. این مطلب را می‌رساند که انسان‌ها مسئولیتی فراتر از وظیفه در اقداماتی که آثار آن‌ها فراتر از حیطه شخصی می‌باشد مسئول هستند و سر آن در نقش الگویی اشخاص که در جامعه است که این نقش به حسب شرایط و موقعیت‌ها متفاوت است مثلاً ممکن شخصی در حیطه خانواده برای فرزندان خود الگو باشد و یا اینکه فراتر از خانواده در جامعه یک الگو باشد که به اندازه نقش الگویی خود مسئولیت دارند.

## تقریر استدلال به آیات گروه اول و نقد آن

این روایات در کتب مرحوم نراقی آمده است و متأخرین به خاطر وضوح عدم دلالت این گروه از روایات به آن پرداخته‌اند و وجه استدلال این است که اگر از تعابیر روایات الغا خصوصیت کنیم، این مطلب مستفاد می‌شود که نباید در ضلال دیگران سهیم بود و از آنجا که حفظ کتب ضلال که باعث ضلال غیر می‌شود، سهیم بودن در ضلال غیر است پس حفظ آن حرام است که این استدلال صحیح نیست چون بحث در حفظ کتب ضلال در جایی است که ندانیم موجب اضلال غیر می‌شود و یا علم به عدم اضلال داشته باشیم و الا در صورت اضلال غیر حرمت آن از باب اضلال و یا اعانه بر اثم حرام است. اما محل بحث عنوان حفظ به ما هو هو است نه به عناوین ثانوی تنها از روایات مانند آیات بحث شده حرمت اضلال استفاده می‌شود.